ایران

در کمپ‌های غیرمجاز ترک اعتیاد چه می‌گذرد؟

کمپ گوانتانامو

محمد معصومیان
گزارش نویس

«برای خوردن بیسکوئیتی که مال خودم بود جوجه کبابم کردند، دوتا بشکه گذاشتند این طرف و آن طرف و مثل سیخ کباب من را بستند به یک چوب و چرخاندند و با میلگرد به کف پاهایم زدند.» این شرح یک شکنجه قرون وسطایی نیست، بخشی از خاطرات یک مصرف کننده مواد مخدر از زجرهایی است که در کمپ‌های غیرمجاز کشیده است. یادآوریی که باعث می‌شود تنش مانند خاری خشک در کویر بلرزد و ترس به صدایش بنشیند. خاطراتی تلخ که بین او و بیشتر مصرف کنندگان با سابقه موادمخدر مشترک است.

چندی پیش ویدیویی از شکنجه معتادان در حوض یخ یک کمپ ترک اعتیاد بسرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. اما به‌نظر آن ویدیویی که اذهان مردم را مشوش کرد تنها نوک کوه یخی بود که بیرون از آب بود. آن‌طور که محسن فتاپور معاون پیشگیری بهزیستی استان تهران می‌گوید: «هر ماه در استان تهران یک یا دو مورد از این کمپ‌ها پلمب می‌شوند.» اما پایان نمی‌یابند و بازهم مانند قارچی سمی در گوشه‌های تاریک و دور از چشم رشد می‌کنند. کمپ‌هایی که بدون توجه به پروتکل‌های علمی و گاهی به خاطر ارزان بودن خدمات تبدیل به محلی برای گسترش مصرف مواد بخصوص در جنوب شهر تهران شده‌اند.

حیاط کوچک اما تمیز کمپ به همت بچه‌ها تازه شسته شده است. جوان و پیر لم داده‌اند روی فرش مندرس قرمز رنگی زیر آفتاب کم رمق زمستان و عده‌ای هم دلشان نمی‌خواهد تن از تخت بردارند. در تاریکی خوابگاه زیر پتو پناه گرفته‌اند و چرت می‌زنند. کیوان کسی که به قول بچه‌ها تا امروز برای ترک به ۱۰۰ کمپ در تهران و شهرستان رفته سرش را از زیر پتو بیرون می‌آورد و تکیه می‌زند به دیوار پشت تخت، نیمی از صورتش در تاریکی مانده و نیم دیگر روشنی آفتاب را پس می‌زند.

کیوان ۲ ماه است از هروئین پاک شده: «اگر بخواهم از چیزهایی که در کمپ‌های غیرمجاز دیده‌ام تعریف کنم خیلی زیاد می‌شود اما بلاهایی که سر خودم آورده‌اند هم کم نیست. مثلاً یکبار آمدند از میدان شوش ما را جمع کردند گفتند می‌بریم‌تان جایی کار کنید و به شما پول می‌دهیم اما چند کیلومتر مانده به مقصد، روی سرمان کیسه کشیدند تا نفهمیم کجا می‌رویم. بعد من را ول کردند داخل یک اتاق کوچک تاریک، چند روز بدون آب و غذا همین طور در تاریکی بودم و همه کارم را همانجا می‌کردم. چند روز بعد که آوردند هواخوری یکدفعه شروع کردند با چوب زدن. غذایی هم که به همه می‌دادند آب لوبیا وعدس بود یا یک نان لواش برای هر وعده.» آنها کتک می‌خورند تا برای گرفتن پول شماره‌ای از خانواده به کمپ‌دار بدهند. کیوان می‌گوید در یکی از کمپ‌های شهرستان یکی را داخل قابلمه بزرگی گذاشتند و نمک و فلفل و پیاز رویش ریختند و زیر اجاق را روشن کردند: «کف قابلمه داغ شده بود و بدبخت که فکر کنم به زور ۲۰ ساله بود و قد و قامتی هم نداشت روی پاهایش می‌پرید.»

در ایران دو نوع کمپ ترک اعتیاد متداول است؛ کمپ‌های اختیاری یا خود معرف که به ماده ۱۵ معروف است و هزینه آن از همراه بیمار یا خود بیمار گرفته می‌شود و کمپ‌های اجباری که به ماده ۱۶ معروف است. معتادین متجاهری که از سطح شهر جمع‌آوری می‌شوند بعد از طی کردن دوره غربالگری به این کمپ‌ها فرستاده می‌شوند. این کمپ‌ها کاملاً با پول دولت با سرانه روزی ۲۸ هزار تومان برای هر معتاد اداره می‌شوند. در این میان قسم سومی هم وجود دارد که به کمپ‌های غیرمجاز یا زیرزمینی معروف هستند. کمپ‌هایی که در خانه‌های ییلاقی اطراف شهر یا باغ‌های حاشیه بنا شده‌اند و به هیچ کس هم پاسخگو نیستند تا روزی که کسی از آنها شکایت کند یا آدرسی از آنها به نیروی انتظامی یا بهزیستی داده شود.

رئیس کمپی که در آن هستیم مانند تمام رؤسای کمپ‌های مجوزدار از کار کمپ‌های غیرمجاز شکایت دارد. او که سال‌هاست زیر نظارت بهزیستی کار می‌کند و نگران حرف زدن من با بچه‌ها در خلوت نیست، می‌گوید: «متأسفانه برای عده‌ای اعتیاد به تجارت تبدیل شده است. کسی به فکر ترک نیست و همه به منفعت خودشان نگاه می‌کنند. وقتی من می‌بینم فلانی نه پول مددکار می‌دهد نه پول روانشناس و دکتر، جیره غذایی را هم رعایت نمی‌کند و هر بلایی دلش خواست سر معتاد می‌آورد ناامید می‌شوم. این عادلانه نیست که ما اینجا زیر دوربین و نظارت حتی حق تو گفتن به بیمار را نداشته باشیم اما کسان دیگری همین کنار گوش ما راحت و با سود بیشتر هرکاری خواستند بکنند.»

مرتضی کتک خوردن و زجر کشیدن را اتفاقی عادی در کمپ‌های غیرمجاز می‌داند. وقتی از او می‌پرسم چرا شکایت نمی‌کنید؟ تمام بچه‌هایی که در حیاط هستند باهم شروع می‌کنند به توضیح دادن. یکی می‌گوید: «کی به حرف من مصرف کننده گوش می‌دهد؟» دیگری می‌گوید: «من با آن وضعم مگر اهل دادگاه و پاسگاه رفتن هستم؟» دیگری با خنده می‌گوید: «همان جلوی در پاسگاه بازداشت می‌شویم.» آن یکی از آن دور فریاد می‌زند: «خدایی هر بار که به این کمپ‌ها رفتم با خودم گفتم کاش بی‌ناموسی می‌کردم می‌رفتم زندان جای اینکه معتاد شوم.» اما شاید یکی از دلایل آن خستگی خانواده‌ها باشد که به خاطر ناامیدی آنها از ترک بیمار را به این مراکز می‌سپارند.

> محسن فتاپور معاون پیشگیری بهزیستی استان تهران: بهزیستی مسئولیتی در زمینه کمپ‌های غیرمجاز ندارد. اما اگر گزارش بشود مداخله می‌کنیم و بعد از هماهنگی با پلیس امنیت مرکز را پلمب می‌کنیم و شکایت‌ها را به دادگاه انقلاب می‌فرستیم. بیماران را هم یا تحویل خانواده می‌دهیم یا می‌فرستیم به مراکز مجاز بهزیستی

کمپ بعدی چند کیلومتری پایین‌تر از اتوبان ورامین است. جایی میان زمین‌های خشکی که فقط کیسه‌های نایلونی در آن روییده‌اند. احمد مسئول کمپ که خودش ۲۰ سال تجربه اعتیاد داشته با صدایی خشدار و خشن اما لبخند به لب از تجربیاتش در کمپ‌های غیرمجاز می‌گوید: «این طریقه ترک دادن فقط کینه و رنجش ایجاد می‌کند و هیچ تأثیر مثبتی ندارد. من هر بار که از این کمپ‌ها بیرون می‌آمدم بیشتر مصرف می‌کردم. متأسفانه همکاران ما هنوز نمی‌دانند معتاد از هر لجبازی، لجبازتر است و با کتک و تحقیر و توهین هم هیچ کس ترک نکرده است. یک بیمار به پرستاری دلسوز احتیاج دارد؛ کسی که در زمان سخت ترک کردن او را درک کند و کنارش باشد.»

بچه‌ها با لپ‌های گل انداخته و چشمانی مشکوک به من نگاه می‌کنند. تازه ناهار خورده‌اند و حالا وقت خوش آفتاب گرفتن در حیاط کوچک کمپ است. تا می‌شنوند قرار است از تجربیات‌شان در کمپ‌های غیرمجاز بشنوم یکی کبودی پای چشمش را نشانم می‌دهد که یادگار چند هفته پیش در یکی از کمپ‌های اطراف کرج است و می‌گوید: «من را چند روز در سرما و برف بیرون می‌بستند تا شماره‌ای بدهم که برای آنها پول واریز کند. با باتوم و چک و لگد کتکم می‌زدند.» او تعریف می‌کند که در کمپ مجبور بودند از ۷ صبح تا ۱۲ شب کارتن تولید کنند بدون اینکه پولی به آنها بدهند: «خودشان به زور کتک من را از گوشه اتوبان بردند. فقط می‌دانم اطراف فردیس بود چون چند کیلومتر قبلش چشمانم را بستند و موقع بیرون آمدن هم همین طور. خدا پدر و مادر بهزیستی را بیامرزد خیلی از کمپ‌های غیرمجاز را که در معرض دید بود تعطیل کرد.»

بچه‌های دیگر هم شبیه این اتفاقات را تعریف می‌کنند یکی از تولید بلوک برای صاحب کمپ می‌گوید و دیگری از بسته شدن به ستون و کتک خوردن با میلگرد جلوی دوستانش به بهانه نگه داشتن ته مانده غذا برای شب... توهین و تحقیری که هرگز از آنها پاک نخواهد شد. آنها از قوانین سفت و سختی می‌گویند که اگر یکبار از آنها عدول کنی تنبیه سختی خواهی شد. رمضان که تا امروز بیش از ۲۰ کمپ مختلف را تجربه کرده و همین الان هم منتظر است پا از در بیرون بگذارد تا دوباره مصرف را شروع کند، می‌گوید: «کافی است برای فرار تلاش کنی. یکبار بعد از تلاش برای فرار تا چند روز در اتاق کوچکی بدون غذا حبس شدم و از آن به بعد هم هرجا با کسی می‌ایستادم به حرف زدن به بهانه اینکه در حال کشیدن نقشه فرار هستم کتک می‌خوردم.»

محسن فتاپور، معاون پیشگیری بهزیستی استان تهران می‌گوید که اگر گزارش یا شکایتی از وجود این کمپ‌های غیرمجاز به بهزیستی برسد بسرعت اقدام می‌کنند: «بهزیستی مسئولیتی در زمینه کمپ‌های غیرمجاز ندارد. اما اگر گزارش بشود مداخله می‌کنیم و بعد از هماهنگی با پلیس امنیت مرکز را پلمب می‌کنیم و شکایت‌ها را به دادگاه انقلاب می‌فرستیم. بیماران را هم یا تحویل خانواده می‌دهیم یا می‌فرستیم به مراکز مجاز بهزیستی.» او از گزارش‌هایی می‌گوید که حاوی شکایاتی با این مضامین بوده که بیمار را با چشم بسته و به زور به این مراکز برده‌اند، آنها را به ستون بسته‌اند تا ترک کنند یا بشدت کتک زده‌اند: «اگر فوتی هم داشته باشند هم پزشکی قانونی هم دادستان پیگیری می‌کنند. ما بیشترین درگیری را با این مسأله داریم. ما، نیروی انتظامی و قوه قضائیه بیشترین دخالت را داریم.» او دائم تکرار می‌کند که هر گزارشی را به‌طور نامحسوس و بدون لو رفتن طرف گزارش دهنده پیگیری می‌کنند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۰۱

آسان

	۴	۸		۷	۳	۲		
	۲							۷
				۲	۹		۴	
	۹	۴			۶	۵		۱
۲		۱	۵		۷	۴		۸
۸		۷	۹			۳	۶	
	۳		۷	۶				
۴							۵	
		۹	۴	۵		۷	۲	

متوسط

							۸	
	۱			۸		۹	۵	۶
۸			۹		۳			۲
		۶		۲				۹
۲	۸		۵		۴		۷	۱
۱				۷		۵		
۶			۲		۱			۵
۹	۴	۱		۳			۶	
	۲							

سخت

		۹				۱	۲	
			۳		۹			۵
		۷	۲					۴
			۶		۳		۷	
	۱		۵		۸		۳	
	۸		۷		۲			
۲					۷	۴		
۶			۸		۴			
	۴	۵				۲		

خیلی سخت

			۶	۸		۳	۱	
					۲			۹
						۴		۷
	۳	۹	۵			۲		
۸								۱
		۲			۴	۵	۳	
۷		۸						
۹			۲					
	۲	۴		۱	۹			

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۰۱

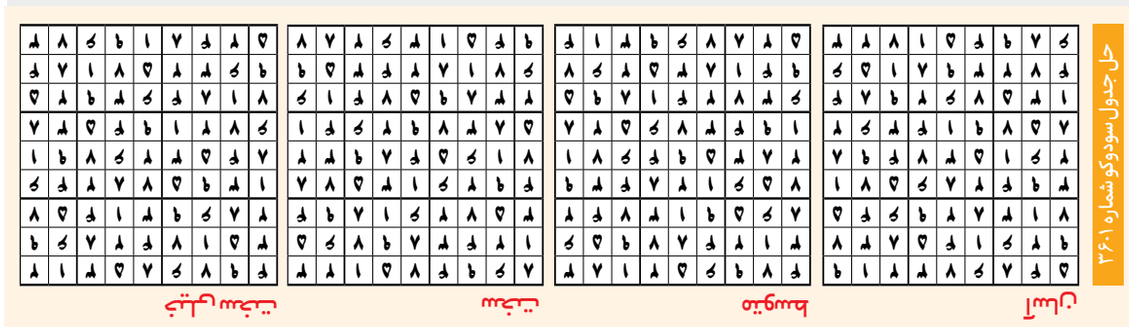

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۶۷

جدول عادی

افقی:

۱- وظیفه سازمانی- گردشگاه شهری «تبریز»
۲- مثل- کنار دریا- نام «اوباما»
۳- بی‌دین- تیز- فریادشادی
۴- از آحاد زمان- صحنه تئاتر- خورشت چرب- جان خودمانی
۵- نفس سوخته دلان- آدم آهنی- پلی در «سوادکوه»
۶- کفش چرمی- جاپایی- حرف عطف
۷- چهاردیواری- کشوری در آسیا- از خود راضی
۸- ظرف آب کوهنورد- نیم صدای کلاغ- تشویق برای عکس‌العمل
۹- مکر- دوروز قبل- با اهمیت و گرانقدر
۱۰- خار سر دیوار- ابواب- کار خارق العاده پیامبران
۱۱- پایه سنگی، چوبی یا سیمانی که در زیر بنا سازند- مرآت- گربه عربی
۱۲- حرف یونانی- بهم سودن- باریک‌تر از آن نیست- حرف خوراکی
۱۳- شهری در استان «کرمان»- که آبشار آن باصفاست- اشعه مجهول- حصیر
۱۴- ابزار آبیاری گیاهان- برادر سلم و تور- ضروری
۱۵- غذای محلی «گیلان»- اثنی عشر

عمودی:

۱- بازیگر خانم فیلم «شیشلیک» (روی پرده سینماها)- یار «مداد»
۲- نفس سرکش- پاک و طاهر- روشنی
۳- باوقار- رهاورد زنجان- تیم ایرانی
۴- صدای افسوس- نویسنده- دختر- خمیرپخته بر آتش
۵- کم کردنی‌های حقوقی!- عالم بی‌خیال!- استوار ساختن
۶- سوره ۳۶- پیغمبری- هدایتگر
۷- وسیله بازی آویخته و نوسانی در پارک- گل خوشه‌ای معطر- نسیم سرد
۸- رفتاری برای گرامیداشت- بازیکن هم تیمی- ورزش برفی
۹- زغال- نام محله و پلی در «تهران» و منطقه شمیران- گرم نیست
۱۰- نشان دادن- پیشوا- از غلات
۱۱- گزیده چیزی- دوستی خالص- آن سوی شمال
۱۲- وقت- نت بیمار!- قلمرو- کشور «گرت بیل» بازیکن تاتنهام
۱۳- کودک بازیگوش- رعشه و ارتعاش- نردبازماهر
۱۴- کرمینه- شخصیتی کارتونی- شهری در غرب استان «خوزستان»
۱۵- رقم اول از سمت راست عدد- مثنوی «نظامی گنجوی»

جدول ویژه

افقی:

۱- میلگرد- باقی خوراک و نوشیدنی کسی
۲- مایع غلیظ- آرم- نقشی در سریال جدید «بوم و بانو» (۱۳۹۹)
۳- سایه زنی در نقاشی- کتاب «امیل زولا»- دست راست
۴- کلام پرسش- جست و خیز- واجب شدن حق بر کسی- پسوند آرایش کننده
۵- شیره خرما- دفتر شعر- گل پخته
۶- شهری در «آذربایجان غربی»- حجره- کاغذ چاپ
۷- نردبان- محله‌ای در «نیشابور»- زنگ کاروان
۸- پسر یعقوب نبی(ع)- دفعه- طالع بینی
۹- پسوند ساختن قید از صفت- ماه میلادی- بهشت
۱۰- نرخ بازاری- پسوند شستن- خیال‌ها
۱۱- سمبل- میمون آدم‌نما- ترک استخوان
۱۲- اولین مسجد- تفنگدار سواره- به تعبیری شکم!- ساکن محله
۱۳- پارچه روپوشی- آرام- برنج ایرانی
۱۴- نامناسب و ناهماهنگ- سخت- حسابرس
۱۵- فیلمی از «مرحوم خسرو سینایی»- دختر یزدگرد ساسانی

عمودی:

۱- رئیس جمهوری «آذربایجان»- خشنود
۲- ملاحظه- از جنس آهن- برادر به زبان مازنی
۳- نام مستعار «شاراپووا»- خسته و درمانده- شهرت طلب
۴- پدر عرب- تحیت- بوییدن- طبل
۵- برومند، رستگار- دوره‌ها- نشان مفعول
۶- آزاد- حجاب- بندری در «استرالیا»
۷- امتحان- قبیله ترکمن- غلیان
۸- پیمانه نفت- فیلم «جلال مهربان»- سرده‌ای از درختان
۹- میخ کوچک سرپهن- هواپیمای مسافری- شش خو مانی!
۱۰- کتاب زرتشت- فرآیند- آبادی
۱۱- بالا رفتن آب دریا- مایه‌های افتخار- خرمن ماه
۱۲- شیمی کربن- سفید آذری- بهم ساییده شده- خوی خوش
۱۳- عادی- همیشه- جمع شیء
۱۴- اسطوره کشتی ما- شاعر فرانسوی- حبیب خدا
۱۵- فیلمی از «جورایت»- کتاب «اومبرتو اکو» (۲۰۰۱)

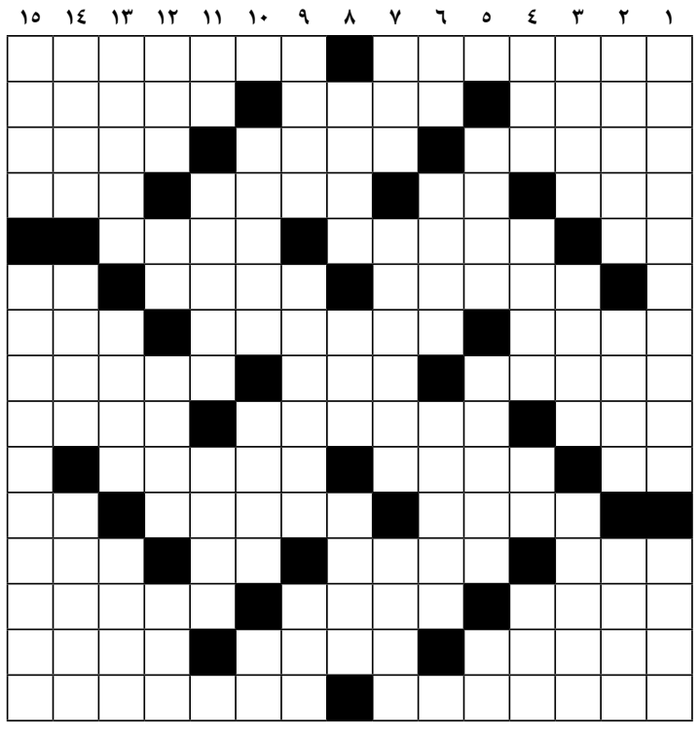

حل جدول عادی شماره ۷۵۶۶

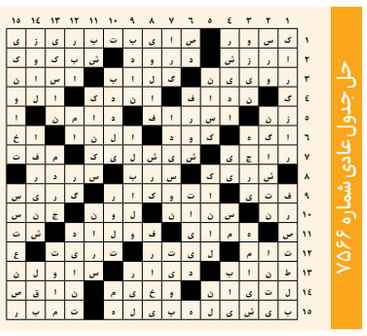
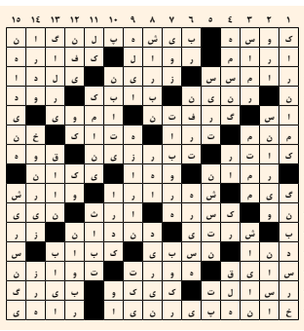
حل جدول ویژه شماره ۷۵۶۶